# رویارویی با بیماری در فرهنگ عامّه
## (مطالعهٔ موردی: فرهنگ عامهٔ مردم کرمان)

علی جهانشاهی افشار[الف*]، مینا احمدی‌نسب[الف]

[الف]بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

## چکیده

در گذشته جبر محیطی حاکم بر ذهن بشر بدوی به دید و شناخت تک‌بُعدی او منجر می‌شد؛ به این صورت که هر چه را می‌دید، واقعیّت و جاندار می‌پنداشت و برای آنچه نمی‌توانست بشناسد، افسانه‌ای می‌آفرید و در خیالات خود پاسخ مجهولات را دنبال می‌کرد. این واکنش تک‌بُعدی و دید افقی نسبت به پدیده‌ها در راهکارهای درمانی او نیز نمایان می‌شد؛ یعنی بخشی از درمان را با استفاده از داروهایی که در طبیعت شناخته بود یا ابزاری که ابداع کرده بود، انجام می‌داد و بخشی دیگر از بیماری‌ها را که نمی‌توانست بشناسد به ماوراءالطّبیعه نسبت می‌داد و معمولاً به شیوه‌هایی غیرعادی از قبیل سحر، جادو و اعمال و ابزار غیرمرتبط با بیماری متوسل می‌شد که این روش‌ها گاهی به‌دلیل تأثیر روانی بر بیمار می‌توانست سبب مداوای او نیز شود. در ابتدا، درمان‌های غیرمتعارف بیشتر کاربرد داشت، امّا رفته‌رفته با شکل‌گیری علوم و گسترش دامنهٔ شناخت آدمی، روش‌های درمان صورت علمی‌تری یافت و تنها بخش کوچکی از این درمان‌ها در فرهنگ عامّه باقی ماند. با توجّه به این‌که این راهکارها بخشی از فرهنگ عامّه هستند و حفظ این میراث ضروری است، همچنین به‌دلیل این‌که کرمان از حوزه‌های زیستی بسیار کهن فلات ایران به شمار می‌آید که در زمینهٔ علم طب نیز عمری دراز و قدمتی طولانی دارد، در این پژوهش سعی شده است که برخی از باورها و روش‌های درمانی مربوط به کرمان بررسی شود. اطلاعات و داده‌های پژوهش به شیوهٔ کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شد. روش تحقیق نیز توصیفی-تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رویارویی مردم کرمان با بیماری‌ها یا بر پایهٔ دانش و آگاهی بوده، یا بر پایهٔ باور و دریافت‌های روانی و درونی که در گونهٔ اخیر با وجود نداشتن استناد علمی، گاه بر مبنای تلقین و تأثّر روانی، شیوهٔ درمانی باوربنیاد مؤثر واقع می‌شده است.

**کلیدواژه‌ها:** فرهنگ عامه، بیماری، درمان‌شناسی، دانش

تاریخ دریافت: مرداد ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: بهمن ۱۴۰۲

### مقدمه

درد جزء جدایی‌ناپذیر زندگی است و بشر در قبال بیماری‌ها رویکردهایی شامل پیشگیری، انتقال و درمان را در پیش گرفته و همواره برای هر مرحله از این راهکارها، روش‌هایی را اتخاذ کرده است. «راه‌های مقابله با معضلات بهداشتی و بیماری‌ها در مناطق مختلف متنوّع بوده و بیماری‌های خاص در هر منطقه، شیوه‌های درمانی مختص و تطبیق‌یافته با آن منطقه را به همراه خواهد داشت که انتقال این شیوه‌ها اغلب به‌صورت شفاهی یا سینه‌به‌سینه بوده و باورهای عامیانه در آن جایگاه مهمی داشتند» (۱). با پیشرفت علوم، پیشگیری و درمان بیماری‌ها علمی‌تر شد، امّا بخشی از درمان‌ها که به باورهای عامیانه مربوط بود، در فولکلور[۱] ماندگار شد و چون بخشی از فولکلور (۲) به‌شمار می‌آیند، مهم هستند و حفاظت از این میراث ضروری است. در غرب توجه به فولکلور بسیار قبل از ایران آغاز شد، به‌طوری‌که نخستین کوشش برای ضبط مواد فولکلور را در ایران نیز غربی‌ها انجام دادند (۳) و به‌طور اختصاصی در فرهنگ مردم کرمان، اولین اقدام توسط آنها صورت گرفت. نحوهٔ رویارویی مردم با درد و بیماری ازجمله مباحثی است که در فرهنگ عامّه به آن توجه می‌شود. با مطالعهٔ فرهنگ عامهٔ کرمان در این زمینه، ملاحظه می‌شود که مردم این سرزمین کهن در گام اول، سعی در پیشگیری از بیماری داشتند، هرچند پیشگیری در نظر آنان بیشتر بر باور متکی بود؛ به‌عنوان مثال، برای پیشگیری از اسهال، جوشاندهٔ کلپوره/درمون ترکی را می‌خوردند[۱-۲]. استخوان پای گرگ را به گهوارهٔ نوزاد می‌بستند تا دچار

* فرد مسئول مکاتبات: a.j.afshar@uk.ac.ir

بیماری نشود (٤). نخ ابلقی (سیاه و سفید) به دور انگشت زائو می‌بستند و شیئی آهنی کنار مادر و نوزاد قرار می‌دادند تا از گزند آل[3] در امان باشند (٤). به لباس نوزاد سنجاق می‌زدند تا از جن‌زدگی او پیشگیری کنند (٤). برای جلوگیری از سقط جنین، زن را حصار می‌کردند؛ به این صورت که بر نخی دعا می‌خواندند و ۹ گره می‌زدند و آن را به دور دست زن می‌بستند (٤). حصار، طلسم، تعویذ و نیز استفاده از اشیایی که در نظر ایشان قدرت فراطبیعی دارند، مانند احجار کریمه، مهره‌ها و ... بیشترین کاربرد را دراین‌باره پیدا می‌کنند. گاه که پیشگیری مقدور نبود، در صورت امکان سعی در انتقال بیماری می‌کردند؛ به‌عنوان مثال، به تعداد زگیل‌های دست، دانه‌های گندم در دستمال/پارچه‌ای می‌ریختند و در معبر مردم قرار می‌دادند، با این باور که بیماری به کسی که دستمال را باز کند، منتقل می‌شود (٤). چنانچه رویکردهای اخیر میسر نبود با اتکا به علم و دانش یا توسل به باورها و اعتقادات اقدام به درمان می‌کردند.

## یافته‌ها و بحث

بشر همواره برای مقابله با درد و کاستن از آلام خود راهکارهایی در پیش می‌گرفته است. با توجه به این‌که کرمان براساس تحقیقات دیرینه‌شناسی و باستان‌شناسی از کهن‌ترین زیستگاه‌های بشر در جهان به‌شمار می‌آید و طب نیز قدمتی به درازای تاریخ بشریّت دارد، می‌توان پیشینهٔ دانش پزشکی را در این سرزمین به اعصار بسیار دور مربوط دانست. برخی شواهد موجود می‌تواند تصویری نسبتاً روشن از چگونگی رویارویی مردم کرمان با درد و بیماری را در روزگار کهن نشان دهد؛ شواهد و قرائنی که گویای تلاش دیرینهٔ مردم کرمان برای پی‌بردن به اسرار طبیعت این سرزمین و یافتن خواص درمانی و شفابخش گیاهان و سنگ‌ها بوده است (٥). قدمت تاریخی و موقعیت جغرافیایی کرمان در طی روزگاران غنای فرهنگی را برای این سرزمین به ارمغان آورده است و میل ذاتی بشر برای بقا ایجاب کرده که مردم کرمان نیز برای پیشگیری یا درمان بیماری‌ها چاره‌اندیشی کنند و حاصل چاره‌اندیشی آنها به‌صورت رسمی و غیررسمی در متون و یا ذهن و زبان ساکنان این خطه ثبت و نقل شود. ساکنان کرمان در روزگاران کهن با تلاش بسیار در پی شناخت خواص درمانی طبیعت و محیط اطراف خود بودند و برای این منظور از عناصر طبیعت برای درمان استفاده کردند. به‌طور کلّی می‌توان آنچه که در فرهنگ عامّهٔ کرمان برای پیشگیری و درمان استفاده می‌شده، در دو گروه روش درمان دانشی و درمان باوری طبقه‌بندی و بررسی کرد.

### الف) روش درمان دانشی

روش درمان دانشی یا دانش‌بنیاد را با توجه به مواد مورداستفاده می‌توان به دسته‌های ۱. نباتی؛ ۲. جمادی؛ ۳. حیوانی و ٤. عناصر طبیعی تقسیم کرد. این روش از طریق محسوسات و با استفاده از مواد دارویی و ابزارهای مربوط انجام می‌شده و معمولاً با آزمون‌وخطا همراه بوده است و با سنجش و بررسی داروها و اثربخشی آنها مورد استفاده قرار می‌گرفته و عمدتاً درمان را نیز در پی داشته است. کاربرد دارویی برخی سنگ‌ها، فلزّات و گیاهان خاص (که برخی از آنها همچون درمان با فلزّات و سنگ‌های شفابخش امروزه و در دهه‌های نخست قرن بیست‌ویکم دوباره مورد توجّه بشر قرار گرفته‌اند) در کرمان قدمتی طولانی داشته و مردم کرمان حتّی در به‌کارگیری برخی از داروهای گیاهی و گیاهان دارویی پیشگام بوده‌اند (٥).

#### ۱. درمان نباتی (گیاهی)

یکی از راه‌های درمان، استفاده از گیاهان مختلف بود که عمدتاً به‌صورت دم‌نوش، جوشانده و خام به بیمار خورانده می‌شد یا به‌صورت ضماد به‌کار می‌رفت (تجویز گیاهان دارویی در گذشته توسط حکیم انجام می‌شده و به مطب او نیز محکمه می‌گفتند) (٦). ازجمله گیاهان درمانی در فرهنگ عامّهٔ کرمان، می‌توان به جدول۱ اشاره کرد.

جدول۱. لیست گونه‌های گیاهی و اطلاعات مصارف سنتی آنها در کرمان

| نام گیاه | کاربرد دارویی |
|---|---|
| سُمبُلاطی/sombolâti | ریشهٔ گیاهی است که جوشاندهٔ آن برای درمان بیماری‌های قلبی تجویز می‌شود (٦). |
| کَلپوره/kalpure | گیاهی با گل‌های ریز و طعم خیلی تلخ (۷) که چکاندن قطراتی از آب کلپوره به دهان کودک، دل‌درد او را درمان می‌کند (۸). |
| مِی‌تُخ/meytox تخم شوید/ toxm-e ševid میتخم/ meytoxm | در درمان بیماری‌های مختلف دستگاه گوارش مانند سوءهاضمه، ورم و زخم معده مفید است (۷). |
| آپیشَن/ʔâpišan، آویشن/ʔâvišan: | گیاهی معطّر است که پودر آن را در بعضی غذاها به کار می‌برند (۹). |
| استوقدوس/ʔostoqodus، استوخودوس ʔostoxodus | گیاهی طبّی دارای گل‌های بنفش و سرخ که دم‌کردهٔ آن برای قلب مفید است (۹). چکاندن ۱۵ قطره دم‌کردهٔ آن با عسل در بینی، پاک‌کنندهٔ قوای دماغ است (۱۰). |
| اَنزروت/ʔanzerut | صمغی سفیدرنگ که از دود آن برای رفع گوش‌درد کودکان استفاده می‌کردند (۹). |
| شاتره/šâtere | ترکیب جوشاندهٔ این گیاه با شکر یا نبات برای درمان حیضه مؤثر است (۹). |
| بومادرون/bumâderun | نوعی گیاه کوهی با گل زرد چتری که برای مرض اسهال مفید است (۹). |
| بِهار ریحون/ behâr-e reyhun | دم‌کردهٔ آن را برای آرامش اعصاب مصرف می‌کنند (۹). برای رفع بوی بد دهان به فرد کندر خوراکی همراه با عرق نعنا و هل می‌دهند (٤). |
| دُرمون ترکی/ dormun-e tərki | برگ‌های سبز بوته‌ای به همین نام و تلخ‌مزه است که مصرف آن با آب در درمان دل‌درد، تهوّع و اسهال مفید است (۹)[۲-۲]. |
| خطمی/xatmi | در تعدیل گرمی مزاج مفید است (۹). به‌علاوه «گل خطمی معده را ضدعفونی می‌کند و زخم‌های معده را التیام می‌دهد. در گذشته برای شست‌وشوی زخم‌ها از مطبوخ گل ختمی استفاده می‌کردند و هنوز هم برای زردزخم معمول است» (۱۰). |
| خردل/xardel | گیاهی که دانه‌های آن را می‌کوبند و با سرکه می‌آمیزند که اشتهاآور است (۹). |
| گل زوپا/gol-e zupâ، زوفا/gol-e zufâ | این گیاه را با پرسیاوشان، پنیرک، گاوزبان گیلانی، بنفشه، عنّاب و ختمی دم می‌کنند و برای رفع سرماخوردگی می‌نوشند (۷). |
| سپندسوختن | نقش روان‌درمانی آن به تلقین و باور مردم از گذشته‌های دور و نقش درمانی آن به اثرات اثبات‌شده‌ای چون خواب‌آوری، رفع بلغم و نرم‌کردن سینه و ریه و ... مربوط است (۱۱). |
| ترکیب سرخ‌مغز، تنگوار، تودری، ترنجبین و خاکشیر | برای درمان خروسک مقداری سرخ‌مغز، تنگوار، تودری، ترنجبین و خاکشیر را در آب سرد خیس می‌کنند و به بیمار می‌خورانند (٤). |

راهکارهای دانش‌بنیان، که به‌وسیلهٔ گیاهان دارویی انجام می‌شود، از دیرباز متداول‌ترین روش درمانی در طبّ سنّتی بوده است و عمدتاً مؤثر واقع می‌شد که همچنان در درمان بسیاری از بیماری‌ها کاربرد دارد.

**۲. درمان جمادی (استفاده از کانی‌ها و موادمعدنی)**

کاربردهای طبّی معدنیات پس از درمان‌های گیاهی و حیوانی از مهم‌ترین و رایج‌ترین انواع درمان‌ها بوده است. در شماری از متون کهن از قبیل متون کانی‌شناختی، بخش‌هایی از عجایب‌نامه‌ها، دانشنامه‌های کهن و نیز متون طبّی به خواص درمانی کانی‌ها، شیوهٔ تهیه، کاربرد همچنین روش‌های درمانی در استفاده از آنها اعمّ از ساییدن، سوختن، نوشیدن، خوردن، ضمادکردن و اندودن، بستن و آویختن، همراه‌داشتن و نگریستن اشاره شده است (۱۲).

استفاده از سنگ‌ها برای درمان در طبّ ایران همواره مرسوم بوده و افراد بسیاری از این روش استفاده می‌کرده‌اند؛ ازجمله ابوعلی سینا توصیه کرده است که بیمار مبتلا به تشنج، حمام خشک بگیرد و در داخل حمام بر روی سنگی گرم دراز بکشد. ابن‌سینا در ساخت دارو، از خواص دارویی برخی سنگ‌ها یاد

کرده است؛ مانند حبّ لاجورد (از سنگ‌های معدنی، به رنگ آبی که ازنظر خاصیت دافع سوداست و آویختن آن مقوی دل و مفرح است) و معجون یاقوت. او کارکرد برخی سنگ‌ها را در همراه‌داشتن آنها دانسته است، چنان‌که برای درمان بیماری معده توصیه کرده که بیمار سنگ را به گردن خود بیاویزد و آن را در برابر معده قرار دهد (۱۳).

برخی از سنگ‌های قیمتی را نیز در درمان مؤثر می‌دانستند که ازجمله آنها می‌توان به سنگ‌های زیر اشاره کرد: «زمرّد، عقیق، الماس، فیروزه، زر، یاقوت و ... که برای هرکدام فوایدی ذکر شده است؛ مثلاً، در خواصّ سنگ فیروزه به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: «مقوّی دل و معده، پادزهر تمامی سم‌ها، رفع‌کنندهٔ اسهال و زخم‌های درونی، دفع‌کنندهٔ خفقان، صرع، سنگ کلیه، مثانه، تورم قرنیه و ...» (۱٤).

کرمان از نخستین نمونه‌های رایج استفاده از سنگ و کانی‌ها در کحّالی و چشم‌پزشکی بوده است. به‌تدریج، تأثیر این سنگ‌ها و فراورده‌ها بر بدن برای ساکنان بومی کرمان آشکار شد و تکامل همین روند نزد حکیمان اعصار باستانی کرمان به شناسایی کاربردهای متعدد این سنگ‌ها و فراورده‌های فلزی در طب و طبابت انجامید؛ مانند سنگ توتیا و سرمه که منحصر به کوهبنان بوده است (۵).

جدول۲. لیست گونه‌های کانی‌ها و مواد معدنی و اطلاعات مصارف سنتی آنها در کرمان

| سنگ | کاربرد دارویی |
|---|---|
| **سورمه**/surme | «از گذشته‌های دور، از سرمه به‌عنوان یکی از اقلام هفتگانهٔ آرایشی و نیز ماده‌ای مفید برای بینایی و درمان چشم استفاده می‌شده است» (۱۲). |
| **سنگ داغ**/sangdâγ | گاهی عمل داغ به‌وسیلهٔ سنگ انجام می‌شد. این شیوه بیشتر در درمان زخم‌ها و برای پیشگیری از عفونت کاربرد داشت؛ به این صورت که سنگی تخت، نازک و ازنظر اندازه متناسب با زخم را داغ می‌کردند و روی زخم قرار می‌دادند و به‌مرور زمان با التیام و جوش‌خوردن زخم، سنگ از پوست جدا می‌شد (٤). |
| **زاج** | برای درمان پایین‌افتادن بُن‌گوشو (لوزه) کمی زاغ (زاج) به بیمار می‌خوراندند. سپس جوشاندهٔ قیطران و تفاله‌اش را به‌عنوان مرهم روی گلو می‌گذاشتند (۸). |
| **مهره** | آویختن نوعی مهرهٔ قرمزرنگ را به گردن در تسکین گردن‌درد موثّر می‌دانستند (٤). اگر بچه‌ای زیاد گریه می‌کرد و حالت غش به او دست می‌داد، مهره‌ای به نام مهرهٔ غش به گردن او می‌آویختند و این حالت از بین می‌رفت (٤). |

همان‌طور که در جدول۲ مشخص شده است کانی‌ها به دو صورت کاربرد داشتند: یا خود به‌صورت آویختن، خوردن، نوشیدن و ... استفاده می‌شدند و یا به‌صورت ابزاری در درمان کاربرد داشتند مانند داغ‌کردن با سنگ که در تمام این موارد می‌توان به تأثیر کانی‌ها در درمانگری کهن پی برد.

**۳. درمان با داروهای حیوانی**

حیوانات در ایران باستان از تقدس خاصی برخوردار بودند و بسته به نقش، کارکرد، سود و زیان به دو دستهٔ کلی اهورایی و اهریمنی تقسیم می‌شدند. جایگاه و اهمیت حیوانات سبب شده بود که در فرهنگ عامّه آثاری در باب خواص حیوانات تألیف شود و استفاده از حیوان، جوارح و اعضا و فراورده‌های آن مورد توجه قرار بگیرد. گوشت افعی در ردیف مهم‌ترین پادزهرها بود (۱۵). گوشت خرچنگ و شوربای آن نیز برای درمان سل مفید بود (۱٦). در فرهنگ عامّهٔ کرمان نیز به داروهای حیوانی در جدول۳ اشاره شده است.

**٤. درمان با استفاده از عناصر طبیعت**

بهره‌گیری از عناصر طبیعی مانند آب، باد، آتش، خاک و ترکیبات حاصل از آنها در طبیعت در برخی درمان‌ها مرسوم بود که به‌عنوان مثال می‌توان به جدول٤ اشاره کرد.

جدول۳. لیست گونه‌های دارویی حیوانی و اطلاعات مصارف سنتی آنها در کرمان

| داروی حیوانی | کاربرد دارویی |
|---|---|
| **تخم کبوتر** | برای کودکی که دیر به حرف می‌آید، تجویز می‌شود (۱۷). |
| **قلم پای گوزن/ گاو** | برای تقویت زانوهای طفل یک‌ساله برای راه‌افتادن، مغز قلم پای گوزن/گاو را توصیه می‌کنند (۱۷). |
| **گوشت خروس، کهره (بره) و شیر گاو** | برای درمان سیاه‌سرفه، ده روز اول بیماری به بیمار گوشت خروس و کهره (بره) و شیر گاو می‌دهند (۸). |
| **پرزهای سیرابی گوسفند** | خوردن پرزهای سیرابی گوسفند در درمان بعضی امراض معده مفید است (۸). |
| **شیر الاغ** | چکاندن چند قطره شیر الاغ در بینی برای رفع گرفتگی مفید است (۸). همچنین برای درمان سیاه‌سرفه مؤثر است (٤). برای افرادی که به‌علّت گرمی و حرارت، سوزش و یا خارش سر دارند، شست‌وشوی سر با شیر الاغ مفید است (۸). |
| **مدفوع الاغ** | استنشاق دود مدفوع خشکیدهٔ الاغ ماده در درمان بادِ سر مؤثر است (۸). |
| **روغن مار** | روغن مار برای رشد موی سر سودمند است (۸). |
| **زِلو انداختن** | زالویی را روی رگی از بدن قرار می‌دادند تا با مکیدن خون، عمل حجامت را انجام دهد (۸). |
| **تخم لاک‌پشت** | خوردن تخم لاک‌پشت برای درمان فتق مناسب است (٤). |
| **پوست گوسفند** | برای درمان یرقان، بیمار را در پوست گوسفند (که به‌تازگی ذبح‌شده) قرار می‌دهند (٤). |
| **گوشت گنجشک** | گوشت گنجشک برای درمان سرخجهٔ کودک مفید است (٤). |

جدول٤. لیست گونه‌های دارویی عناصر طبیعت و اطلاعات مصارف سنتی آنها در کرمان

| عنصر طبیعت | کاربرد دارویی/درمانی |
|---|---|
| **اوباد/ʔowbâd: (آبگرم)** | آبگرم‌ها به‌دلیل داشتن املاح و موادمعدنی، خواصّ ویژه‌ای در درمان دارند و برای التیام بیماری‌های پوستی، عصبی، گرفتگی عضلات، روماتیسم، بیماری‌های مفصلی و استخوانی مؤثرند[۳-۲]. |
| **پاشیدن آب به صورت بیماران غشی و صرعی** | آب به‌منزلهٔ یک نیروی شوک‌آور می‌تواند نقاط حسّی صورت را تحریک کند و بیمار غشی را به هوش آورد (۱۱). |
| **داغ** | استفاده از آتش برای ضدعفونی‌کردن اشیا و نیز داغ (کَی) عملی بود که از دیرباز مرسوم بوده است[۳-۲]. داغ‌کردن نیز ازجمله مواردی است که ابزار خاص خود را داشته. «در گذشته یکی از کاربردهای فراوان آن در پزشکی، به‌ویژه درمان زخم‌ها بوده و به معنای قراردادن فلز یا شیء گداخته بر محل زخم یا عضو بیمار بوده و این شیوه آخرین راه درمان شناخته می‌شده است» (۱۸). از دیگر شیوه‌های داغ‌کردن استفاده از مهرهٔ عقیق و سنگ بود (۱۸). برای درمان گریهٔ مداوم کودک، بادنزله، آبریزش‌های مداوم کودک و نیز برخی زخم‌های ناسور به‌ویژه در حیوانات اهلی از داغ استفاده می‌کنند[۲-۲]. داغ‌کردن ازجمله روش‌های درمان درد مفاصل و سر است (٤). برای رفع میخچه و زگیل دست‌وپا آن را داغ می‌کنند[۳-۲]. |
| **انذروت** | گیاه انذروت را به همراه پیاز تفت‌داده در آتش بر تاول‌های چرکین قرار می‌دهند[۱-۲]. |
| **آتش و آب** | چنانچه کودکی دچار ترس (مثلاً ترس در پی حملهٔ حیوان اهلی یا وحشی) شود، سر چوب افروخته‌ای را درون ظرف آبی کرده و خارج می‌کنند و آن آب را برای فرونشاندن ترس به کودک می‌خورانند (٤). |
| **گیرمالی/girmâli (شکسته‌بندی)** | گیرمال کسی است که استخوان‌های دررفته یا شکسته را مداوا می‌کند (ارتوپدی سنّتی) (۷). در گذشته عمدتاً مردان به این شغل اشتغال داشتند. پارچه‌های پشمی کلفت، چوب یا نی، ابزار و وسایل لازم برای این حرفه بود (٤). گیرمال در ظرفی از آب ولرم اندکی نمک حل کرده و با مالش و ماساژ عضو آسیب‌دیده (شکسته، رگ‌به‌رگ‌شده، از بند دررفته) اقدام به مداوا می‌کند[۲-۲]. |
| **خاک** | برای به هوش‌آوردن فرد بیهوش، دود چوبی را نزدیک بینی او می‌گیرند یا گِل خیس را کنار بینی او قرار می‌دهند (٤). |
| **بادکش‌کردن/ bâdkaš kerdan** | بادکش‌کردن برای درمان گرفتگی رگ و عمدتاً درد عضلات کمر مؤثر است[۲-۲]. |
| **خاک دوم ( xâk-e dum) (خاک رس)** | برای بندآمدن خون‌دماغ، خاک دوم را با سفیدهٔ تخم‌مرغ مخلوط می‌کنند و به سر می‌مالند و پس از مدتی می‌شویند[۲-۲]. |
| **تیغ‌زدن** | ازجمله راهکارهای درمانی است که با ابزار مخصوص خود صورت می‌گرفته است: «بین دو کتف و قسمت کمر و جاهای غیرحساس از قبیل ران‌ها و بازوهای بیمار را به‌وسیلهٔ تیغ چند خراش سطحی و جزئی می‌دهند تا خون کثیف خارج شود. برای کودکی نیز که گیجی و خواب‌آلودگی غیرطبیعی دارد، از این روش استفاده می‌شود» (۸). محل گزش مار را تیغ می‌زنند و با این روش زهر مار را خارج می‌کنند[۲-۲]. |

**ب) روش درمانی متکی بر باور و اعتقاد**

این نوع درمان شامل روش‌هایی است که عمدتاً ریشه در ادراکات داشته و زمانی استفاده می‌شده که در درمان عاجز می‌ماندند؛ یعنی علّت بیماری و یا درمان را به ماوراءالطّبیعه نسبت می‌دادند و با روش‌های غیرمتعارف برای درمان اقدام می‌کردند. این روش اگرچه با اصول علمی مغایرت داشته، امّا گاهی به‌سبب تأثیر روانی برای بیمار مؤثر بود. در بیشتر موارد، ابزارها و لوازم مورداستفاده در این روش با شیوهٔ درمان دانشی مشابهت دارد (به‌عنوان مثال استفاده از زاج، کارد، داغ در هر دو شیوهٔ درمان مرسوم است)، امّا روش به‌کارگیری آنها متفاوت است. این درمان‌ها به دو صورت تمسک به ائمهٔ اطهار و توصیه‌های دینی و یا توسّل به راه‌های خرافی و غیردینی انجام می‌شود.

**۱. توسّل به ائمه و توصیه‌های دینی**

در کنار روش‌های درمان تجربی، که در میان مردمان فرهنگ‌های گوناگون رواج داشته و دارد، روش‌های درمانی مبتنی بر اعتقادات مذهبی را نیز می‌توان ملاحظه کرد؛ به این صورت که بنا بر اهمّیت ایمان و اعتقاد مذهبی از گذشته‌های دور، معتقدان اتّکا به خداوند را بالاترین راهکار درمانی تلقی کرده و پیوسته رابطه‌ای را بین ایمان و اعتقاد مذهبی با بهبود و درمان بیماری تصور می‌کردند و اعتقاد به خداوند را در کاستن از درد و رنج بیماری مؤثر می‌شمردند. در ایران، از دیرزمان چنین رویکردی رواج داشته و هر دو بُعد جسم و روان را در بروز بیماری مؤثر می‌دانستند.

منظور از شفاخواهی مذهبی، آن دسته از باورها و رفتارهای اعتقادی مردم است که از یک‌سو در اعتقادات دینی ایشان ریشه دارد و از سوی دیگر، با حوزهٔ سلامت مرتبط است. طب در این مورد، میان دو جنبهٔ جسم و روح تمایز نمی‌گذارد؛ از این‌رو، اعتقادات، معنویات و مقدّسات نیز در امر سلامت مطرح می‌شوند و فرد توسل به خداوند، پیامبر، ائمه و مقدّسات را نیز در سلامت خود مؤثر می‌یابد.

برخی آیات قرآن کریم به‌دلیل شفابخشی مورد توجه معتقدان و باورمندان به این کلام قرار گرفته است. آیات و شواهد مربوط نیز به صورت‌های گوناگون مورد استفاده و استناد و توسل قرار می‌گیرند. آیهٔ ۸۲ سورهٔ اسراء و ٤٤ فصّلت از نمونه آیات مربوط در این‌باره هستند: «وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنينَ» و «قُلْ هُوَ لِلَّذينَ آمَنُوا هُدىً وَ شِفَاءٌ» که به‌صراحت به شفابخشی قرآن کریم اشاره دارند. همچنین، آیهٔ ۵۷ سورهٔ یونس: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ» به توجه خداوند به سلامتی جسمی اشاره می‌کند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تأثیر روانی باور به دین و آرامش خاطر انسان با اقتدا به اولیاءالله همواره با روش‌هایی مانند خواندن قرآن و ادعیّه همراه بوده است.

نذرکردن برای ائمهٔ اطهار یا ساداتی که نزد مردم برحق هستند از دیگر موارد این راهکارهاست؛ به این صورت که برای درمان بیماری و رفع بلا نذر می‌کنند که در ایام خاص به اطعام فقرا و نیازمندان اقدام کنند و بنا بر اعتقاد و باور دینی ادای این نذر را در اماکن متبرّکه برای برآورده‌شدن حاجت خود، که همان شفاجویی است، مؤثرتر می‌دانند (٦). در کنار موارد یادشده، خوراندن تربت بقاع متبرکه به بیمار یا دخیل‌بستن و زیارت اماکن متبرّکه را نیز شفابخش می‌دانستند.

از دیگر نمودهای اعتقادی برای شفا توسل به دعاست. در فرهنگ عامّه، گاه دعا بر اشیایی خوانده می‌شود و شیء یادشده، مقدّس و متبرّک تلقی شده و برای درمان از آن استفاده می‌شود. گاه نیز برای مداوای بیمار به آیات و اماکن متبرّکه متوسّل می‌شوند (جدول۵).

جدول۵. گونه‌های شفاجویی اعتقادی و نحوهٔ بهره‌گیری درمانی آنها در کرمان

| گونهٔ شفاجویی | نحوهٔ بهره‌گیری درمانی |
|---|---|
| **دعا** | دعانویس برای درمان نازایی بر هفت رنگ نخ ابریشمی دعا می‌خواند و همراه با هر دعا یک گره به نخ می‌زند و بعد از آن‌که گره‌ها به هفت رسید، رشته‌ها را آتش می‌زند و دود آنها را در زیر دامن زن می‌دهد (۱۹). |
| **دعا** | دعانویس بر روی تخم‌مرغی، به نام فرد بیمار دعاهایی می‌نویسد. تخم‌مرغ را به بینی بیمار می‌زند و سپس می‌شکند و معتقد است که بعد از انجام این مراحل بیمار شفا می‌یابد (۱۹). |
| **دعا** | برای درمان تب نوبه، عالمی که دم نوبه‌بستن دارد، بر سه عدد بادام دعایی می‌خواند. بیمار برای شفا، هر روز یکی از بادام‌ها را مصرف می‌کند[۲-۲]. |
| **دعا** | برای درمان جنون از ملاّ دعا می‌گیرند و به بازو یا گردن بیمار می‌بندند (٤). در مورد زنی که باردار نمی‌شود، معتقدند شکم‌بند شده است؛ بنابراین پیش ملاّ می‌روند و دراین‌باره دعایی از او می‌گیرند (۱۷). |
| **چلم یکات/ čeləm yakât، چلن یکات/ čelan yakât** | منظور چهل دفعه آیهٔ «وان یکاد الذین کفروا...» است که خدای تبارک و تعالی برای حفظ رسول (ص) از آسیب و اثر چشم بد حاسدان نازل فرمود که به نام آیهٔ چشم‌زخم نامیده می‌شود. روز ۲۱ ماه رمضان، خانواده‌هایی که نذر کرده‌اند، طوماری تهیّه می‌کنند و در مساجد به چهل مسلمان روزه‌دار مراجعه کرده و تقاضا می‌کنند که هر نفر یک بار آیهٔ مذکور را بر کاغذ بنویسد. پس از انجام و آماده‌شدن، چلن یکات را در محفظه‌ای از مخمل جای می‌دهند و برای رفع چشم‌زخم همراه کودکان و دل‌بندان خود می‌کنند (٦). «برای پرهیز از چشم‌زدن می‌گویند: ماشالا، نوم خدا» (۷). برای رفع چشم‌زخم حرز، تعویذ و دعاهای خاص را با فرد همراه می‌کنند (٤). همچنین یک گوشهٔ پارچه یا یک روسری را قند می‌گذارند و گره می‌زنند، سپس بر پارچه «و ان یکاد» و «چهار قل» و یا هر سوره‌ای که به خاطر بیاورند، می‌خوانند و بعد از آن قند را به کسی که چشم خورده، می‌دهند. بعد که بیمار خوب شد، می‌گویند: نظرش به در رفته است. به این کار، «نظرگرفتن» می‌گویند[۲-۲]. |
| **آیات قرآن** | برای درمان باداف/bâdâf و گیسلو/giselu (گل‌مژه): بر هفت تکّهٔ کوچک گوشت بی‌چربی سورهٔ نصر را می‌خوانند، بر آنها فوت می‌کنند، روی چشم می‌گذارند و در زمانی که روی چشم می‌گذارند سوره‌هایی از قرآن را تلاوت می‌کنند و گوشت‌ها را روی چشم می‌لرزانند، سپس گوشت را بیرون می‌اندازند. این عمل را سه روز نزدیک غروب آفتاب و رو به قبله انجام می‌دهند تا بیماری بهبود یابد.<br>آب زمزم که حجاج از مکّه می‌آورند در نزد مردم بسیار متبرّک است و آن را برای شفا و سلامتی می‌نوشند (۱۷). |
| **آیات قرآن** | آیه‌الکرسی را با زعفران روی پارچهٔ تمیزی می‌نویسند، بعد آن پارچه را در آب قرار می‌دهند و خطوط مکتوب روی پارچه در آب حل می‌شود. سپس آن آب را به افراد مریض می‌دهند و معتقدند که برای شفا نافع است (۱۷). |
| **تربت** | «تربت امام حسین را به‌عنوان تبرّک و تیمن و گاهی برای شفای دردها می‌خورند و در پاره‌ای از موارد مقداری از تربت را به مریض می‌دهند» (۱۷). |

توسّل به ائمه، بقاع متبرک، حرز و تعویذ، اعمال مقدس چون نذر، قربانی، صدقه و به‌طور کلی اتکا به اعتقادات مذهبی همواره از موارد رجوع در درمان بیماری‌ها بوده، به‌ویژه مواردی که تصور می‌شد چاره‌گری از قدرت ارادهٔ انسان و دانش او خارج است. این روش از موارد قابل‌توجه در درمان بیماری‌ها به‌شمار می‌رود.

گاه در کنار باورها و اعتقادات برخاسته از آگاهی، انحرافاتی نیز دیده می‌شود که نمونهٔ آن را در دفع چشم‌زخم می‌توان دید. تی اس نولسون دربارهٔ پیشینهٔ فرهنگی چشم‌زخم معتقد است که منشأ رسوم عامّه در مساعی (کوشش‌ها) انسان‌های نخستین در «توضیح اسرار طبیعت، آرزوی تغییر سرنوشت به نفع خود، برکنارماندن از تأثیرات شیطانی و

تأثیر در آینـده است» (۲۰). چشم‌زخم از مواردی است که در قرآن کریم (آیات ۵۱ و ۵۲ سورهٔ قلم) به آن اشاره شده، امّا در پاره‌ای از موارد برای درمان یا پیشگیری از آن روش‌هایی اتخاذ شده که بیشتر برخاسته از باورهای عامیانه بوده است. «وسایل، ابزار و اورادی که برای دفع چشم‌زخم یا رفع آثار سوء آن به‌کار می‌رود، بسیار متعدد است؛ برای نمونه، برخی از سنگ‌های قیمتی، اجزایی از رستنی‌ها و گیاهان، اندام‌هایی از حیوانات، ابزار و اشیا و لوح‌های فلزی، زیورها و گوهرها، تندیس و پیکرهٔ ساخته‌شده از موم و خمیر، رقعه و افسون و حرز و تعویذ نوشته‌شده بر پوست حیوانات و کاغذ و پارچه یا کنده‌شده روی فلز، دستواره‌ها و چشم‌واره‌های فلزی و سفالی و شیشه‌ای، چیزهای ناپاک و آلوده و فضولات برخی از حیوانات ازجمله ابزار و اشیایی هستند که به مردم کمک می‌کنند تا هنگام درماندگی و مشکلات ناشی از نیروی زیان‌کار شورچشمان، اضطراب و پریشان‌حالی را از خود دور کنند» (۲۱).

**۲. توسّل به خرافات**

بشر کهن، پیوسته در پی مطلوب‌کردن سرنوشت خود و برکنارماندن از نیروهای ناخوش و زیان‌کار بوده است و بنا بر ترس و جهلی که بر روان او غالب بوده و ازآنجا که به رابطهٔ علّت و معلولی پدیده‌ها توجّه نمی‌کرد، معتقد بود که با اجرای مراسمی خاص یا ذکر اورادی ویژه می‌تواند مقدمات نتیجهٔ مطلوب خود را فراهم کند و یا مشکلات و بیماری‌ها را برطرف سازد. مبنای اصلی این اقدامات، دفع زیان، تلاش برای بقا و در امان‌ماندن از خطر بود که مواردی چون بیماری، بلا، آسیب و ارواح شریر مهم‌ترین تهدیدکنندگان سلامتی و بقای او محسوب می‌شدند.

خرافات در معنای لغوی، سخنان پریشان، بیهوده و نامربوط است که برای شنونده خوشایند باشند. خرافات در اصطلاح، هرگونه عقیده یا عمل نامعقول و وحشت غیرمنطقی یا ترس از یک چیز ناشناخته و مرموز، خیالی، تردید یا عادتی است که پایهٔ آن ترس یا جهل باشد (۲۲).

یکی از موارد پرکاربرد در درمان‌های سنتی استفاده از سنگ‌ها و کانی‌هاست که در کتب طبیّ بسیاری به آن اشاره شده است، امّا گاهی این کاربرد با روشی خرافی می‌آمیخت. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، برای درمان‌های باوربنیاد از لوازمی استفاده می‌شده که در برخی موارد با روش دانش‌بنیاد مشابهت نیز داشته است، امّا کارکرد آنها در دو روش متفاوت بوده است.

در کرمان، توسّل به خرافات در موضوع موردبحث معمولاً زمانی رخ می‌دهد که علّت بیماری را به موجودات وهمی مانند آل، جن و ... نسبت می‌دهند و با اعمالی غیرمتعارف به درمان می‌پردازند. افراد در این‌گونه درمان معمولاً نزد مُلّا یا دعانویس می‌روند و با سحر، جادو، دعاگرفتن و یا انجام اعمالی که با علم سنخیتی ندارد، اقدام به درمان می‌کنند؛ به‌عنوان مثال، هنگام حملات صرعی برای رهایی از این حملات، دور بیمار خط می‌کشند (٤) و پریدن از روی آتش را موجب درمان می‌دانند (٤). در طولانی‌شدن بیماری کودک معتقدند که نام کودک به او نیفتاده است و اقدام به تغییر نام کودک می‌کنند (٤). روز سیزدهم هرماه، بخشی از موهای خود را کوتاه می‌کنند تا درد و بلای سرشان بیفتد (٤). چنانچه زن نازا شیرینی/قندی را که به آب دهان زن تازه‌زا آغشته شده مصرف کند (٤) یا در رختخواب زن تازه‌زا بخوابد (٤)، مشکل او برطرف می‌شود. توسّل به خرافات در باورهای طبیّ محدودهٔ جغرافیایی موردتحقیق به دو دلیل صورت می‌گیرد: ۱. تحذیر و بازداشت از ناپسندها و ۲. دستیابی به نتیجهٔ دلخواه.

باید به این نکته نیز اذعان داشت که هرچند ممکن است موارد یادشده و شواهد و مصادیق مشابه آنها ازنظر علمی قابل‌تأیید نباشد، اما این احتمال وجود دارد که با موازین روان‌شناسی، ماوراءالطبیعی و برخی مصالح اجتماعی و ... همخوانی و همسویی داشته باشد که در این صورت نمی‌توان در این باره با قاطعیت از خرافه سخن گفت.

**۱-۲. دفع مضرّت**

در برخی مواقع به‌منظور بازداشتن از عملی ناپسند یا تأدیب و تربیت کودکان از این روش استفاده می‌کردند تا به‌صورت غیرمستقیم فرد را از انجام عمل ناپسند بازدارند.

«بعضی از باورها قراردادی و براساس عرف جامعه و ناشی از خوی و منش مردم است؛ مثلاً در گذشته مردم ناچار بودند

که از هاون برای کوبیدن گوشت و یا گرفتن روغن بادام و ... استفاده کنند که خواه‌ناخواه هاون می‌بایست تمیز و عاری از هر آلودگی می‌بود. لذا، اگر کسی می‌خواست بر روی هاون بنشیند به او می‌گفتند که روی هاون ننشیند که اگر بنشیند، نشیمن او دمل چرکی می‌زند» (۱۷).

زن تازه‌زا نباید تنها به حمام برود تا آل و یا جنّیان به او نزدیک نشوند (٤). برای مراقبت از زنی که تازه زایمان کرده این‌گونه باورها پدید می‌آمد که «اگر آب دهان به کسی بزنید، دستتان زگیل می‌زند» (٤). بی‌شک این تحذیر ضمن پیشگیری از رفتاری ناپسند، به رعایت مسائل بهداشتی نیز کمک می‌کرد یا «اگر بچّه‌ای در آب روان ادرار کند، سینه‌اش دانه می‌زند» (٤). این تحذیر نیز در حفظ طهارت و بهداشت آب مؤثر بود و «اگر دارو را از دردمند مضایقه کنند، به درد مبتلا می‌شوند» (٤). که برای کمک به درمان بیمار، توصیه‌ای مناسب بود.

**۲-۲. جلب منفعت**

این راهکار زمانی به‌کار می‌رفت که هیچ پاسخ علمی و یا علّت دیگری برای چرایی پدیده‌ها و یا درمان نداشتند و صرفاً برای پاسخ به مجهولات ذهنی و درواقع زمانی که از درمان و یا چرایی بیماری عاجز می‌شدند، علّت آن را با تخیّلات خود و ساخت داستان‌ها و یا خلق برخی آداب نامتعارف پاسخ می‌دادند. این‌گونه باورها عمدتاً ریشه در خرافه دارند.

طلسم: یکی از اعمالی که در درمان‌های خرافی بسیار کاربرد دارد، طلسم است که با ابزار مختلف انجام می‌شود. «برای طلسمات و تعویذها کاربردهای گوناگونی تصور می‌شد و تقریباً تمامی مسائل زندگی ایرانیان همچون پیداکردن گم‌شده یا دزدیده‌شده، بازآوردن گریخته یا غایب یا سفرکرده، افزایش رزق و روزی، حفظ اموال و املاک از آسیب دزدان و دشمنان، حاصل‌خیزکردن کشتزار و بارآوردن درختان، جلوگیری از چشم‌زخم، پیشگیری و درمان بیماری‌ها و از همه مهم‌تر جلب مهر و محبت دیگران و ... را در بر می‌گرفت» (۲۳).

بطلان سحر و جادو نیز از راهکارهای درمانی به‌شمار می‌آمده و در برخی از موارد با آتش و آب یا انجام اعمالی صورت می‌گرفته است؛ مثلاً، برای درمان زنی که نازا و به‌اصطلاح اِشکم‌بند بوده یا درمان بیماری‌هایی که آنها را در اثر تأثیر جن و جن‌زدگی می‌دانستند کاربرد داشته است.

انسان همواره در جست‌وجوی شناخت و پاسخ به چرایی‌های ذهنی خود بوده، امّا آنچه مسلم است نمی‌توان به تمام این چرایی‌ها پاسخ داد و همواره بخشی از پدیده‌ها برای انسان مجهول می‌ماند. این مجهولات در مورد درمان بیماری‌ها نیز وجود داشته و بشر برای دستیابی به نتیجهٔ مطلوب خود و پاسخگویی به مجهولات ذهنی خویش، به خرافات روی آورده است. هرچند با گذر زمان، میزان این مجهولات و خرافات کمتر شده، امّا همواره در زمان رویارویی انسان با درد همچنان به‌سبب تأثیر روانی در فرهنگ عامّه کاربرد دارند. در فرهنگ عامّهٔ کرمان، وضعیت مطلوب سلامتی گاه با جلب منفعت حاصل می‌شود و گاه با دفع مضرّت؛ از این‌رو گاه هر دو علت، گرایش به خرافات را در حوزهٔ سلامت در بر می‌گیرد. با توجه به آنچه گفته شد، راهکارهای درمانی خرافی را با توجه به داروها و ابزارها در حوزهٔ مورد پژوهش می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم کرد: نباتی، جمادی، حیوانی، ابزارها، عناصر طبیعت.

**❖ درمان نباتی (گیاهی)**

در این روش گیاهان متعددی با شیوه‌های مختلف استفاده می‌شدند. گاهی گیاه موردنظر را می‌سوزاندند، گاهی گیاهان را می‌خوردند و یا به گونه‌های دیگر استفاده می‌کردند. در ادامه به تعدادی از این گیاهان و کاربرد آنها اشاره می‌کنیم:

چوب جارو را برای بطلان سحر و جادو آتش می‌زدند (۱۷). دود اِشترک/ʔešterək و دَشتی/dašti (اسپند) را برای رفع چشم‌زخم و باطل‌کردن سحر و جادو مفید می‌دانستند (۸). روز جمعه خوردن انار را در درمان بیماری‌ها نافع می‌شمردند (۷). برای درمان کودک صرعی، پیچ بهمن/pič-e ba:man (نوعی درخت) به گردن او می‌آویختند (٤). برای درمان، اسپند به دور سر بیمار می‌گردانند و در آتش می‌ریزند (٤). برای درمان نازایی، قرص کمر را در آتش می‌سوزانند و پودر آن را با عسل مخلوط می‌کنند و به زن می‌دهند (٤).

**❖ درمان جمادی (استفاده از اشیا، کانی‌ها و موادمعدنی)**

استفاده از وسایل تیز و برّنده مانند کارد در روش دانش‌بنیاد برای جرّاحی، حجامت و شیوه‌های درمانی از این دست کاربرد داشته، امّا یکی از کارکردهای کارد در شیوهٔ درمان باوری برای دورکردن آل و حفاظت از نوزاد است؛ به این صورت که آن کارد و یا وسیلهٔ آهنی را بالای سر نوزاد می‌گذاشتند یا زائو در روزهای اول زایمان با خود حمل می‌کرد.

در ادامه به برخی از این شیوه‌های درمانی مرسوم در فرهنگ مردم کرمان در جدول٦ اشاره شده است.

جدول٦. لیست گونه‌های بهره‌گیری خرافی گونه‌های کانی‌ها، مواد معدنی و اشیا و اطلاعات مصارف سنتی آنها در کرمان

| گونهٔ جمادی | کاربرد دارویی/ درمانی |
|---|---|
| **زاج** | مقداری زاج سفید روی آتش می‌ریزند. این کار را برای رفع چشم‌زخم مؤثر می‌دانند (۹). |
| **نمک** | اگر زن بارداری به میّت نگاه کند، چشمان بچّه شور می‌شوند و برای رفع شوری، کمی نمک روی شکم میّت می‌گذارند و به زن حامله می‌دهند (٤). |
| **سنگ** | به گردن‌آویختن سنگ گرد و آبی‌رنگ سبب پیشگیری از چشم‌زخم می‌شود (٤). |
| **سنگ** | آویختن سنگ سوراخ به گردن کودک اسهال، سبب درمان او می‌شود (٤). |
| **طلا و مروارید** | برای درمان سرخچه، طلا و مروارید را در آب می‌ریختند و پس از چند دقیقه یکی‌دو قاشق از آب آن را به بیمار می‌خوراندند و بر این عقیده بودند این آب باعث نمایان‌شدن لکه‌های قرمز بر روی پوست بیمار می‌شود و بیماری به‌تدریج بهبود می‌یابد (۹). |
| **مهره** | مهره‌ای به نام مهرهٔ غش به گردن کودکی که زیاد گریه می‌کند و غشی است می‌آویزند تا درمان شود (٤). |
| **فلز** | بالای سر زائو چاقو، آهن و دهنهٔ اسب می‌گذارند تا زائو آل‌زده/ʔâlzəde نشود (٤). |
| **سنجاق** | برای جلوگیری از جن‌زدگی به لباس زائو سنجاق می‌زنند (٤). |
| **پارچه** | برای درمان سرخچه، پارچه‌ای سرخ روی بدن بیمار می‌انداختند و عقیده داشتند رنگ آن در بیرون‌ریختن سرخچه مؤثر است (۸). |
| **کارد** | برای فردی که دچار ترس شده، سر کارد را داغ می‌کنند و آب سرد بر آن می‌ریزند و به فرد می‌خورانند (٤). |
| **غربال** | در طول شب برای محافظت نوزاد از آفت شیشه (پرندهٔ کوچکی که به‌سراغ نوزاد می‌آید) معتقدند که نباید بچّه را روی زمین گذاشت؛ از این‌رو او را در آغوش می‌گیرند یا روی غربال می‌خوابانند (٤، ۱۷). |
| **ماره (مهره)** | مارهٔ دلکَنَک/mâre-ye delkanak: برای حفاظت زن از موجودی به نام دلکَنَک که زنان باردار را اذیّت می‌کرد، مهره‌ای به گردن او می‌بستند (۲٤). |
| **زنجیر** | با بستن زنجیر به مَشک شیری مانع چشم‌زخم می‌شدند (۲٤). |
| **کارد، نمک و ...** | برای پیشگیری از آسیب آل به زن زائو، طناب سیاهی از موی بز دورتادور و حتی جلوی درِ اتاق قرار می‌دهند، دل و قلوهٔ گوسفند، کارد، نمک، پیاز و لنگهٔ گیوه‌ای را از ضلع بالایی چهارچوب درمی‌آویزند و بر پیشانی زائو علامت سیاهی می‌گذارند تا مادر و نوزاد مهر شوند (٤). |

برخلاف کاربرد بجا و علمی خواص سنگ‌ها در طب قدیم و جدید، گاه برای سنگ‌ها خواصی خرافی قائل شده‌اند و این نوع کاربرد سنگ‌ها در درمان‌های خرافی به‌دلیل راه‌یافتن در میان تودهٔ مردم بسیار گسترده بوده است و به‌صورت مهره، ابزار زینتی، بخشی از طلسم خردشده برای ضماد، خوردن، دودکردن و ... استفاده می‌شده است.

❖ **درمان با داروهای حیوانی**

اجزا و اعضای بدن برخی حیوانات را در درمان یا جلوگیری از بروز برخی بیماری‌ها مؤثر می‌دانستند (جدول۷).

جدول۷. لیست گونه‌های خرافی دارویی حیوانی و اطلاعات مصارف سنتی آنها در کرمان

| داروی حیوانی | کاربرد دارویی/درمانی |
|---|---|
| **چشم گوسفند** | چشم گوسفند نذری را از حدقه درمی‌آورند و خشک می‌کنند و معتقدند که اگر آن چشم خشک‌شده را با آب مخلوط کنند و به مریض بدهند، او بهبود می‌یابد (۱۷). |
| **موی بز** | برای پیشگیری از آسیب آل به زن زائو/zâwu طناب سیاهی از موی بز دورتادور اتاق قرار می‌دهند (٤). |
| **سر کفتار** | اگر کسی را که سرش درد می‌کند، دور سر کفتار بگردانند، سردردش خوب می‌شود (۱۷). |
| **گردن شتر** | زنی که ده ماه از حامله‌بودنش بگذرد و وضع حمل نکند، می‌گویند که او در دوران حاملگی از گوشت یا شیر شتر خورده است؛ بنابراین آن را زیر گردن شتر می‌گذارند تا وضع حمل کند (۱۷). |
| **گراز** | اگر کسی گردن‌درد شد باید نزد کسی برود که دست به گراز زده است. اگر او گردنش را لمس کند، آن شخص خوب می‌شود (٤). |
| **آفتاب‌پرست** | اگر زمانی که آفتاب‌پرست سرش را بالا و پایین می‌برد چشمش به دندان‌های کسی بیفتد، دندان‌های آن شخص می‌ریزند (۱۷). |
| **زهرهٔ گاو** | مقداری زَهرهٔ گاو در کمی آب حل می‌کنند و بالای ناف شخص می‌مالند و کمی نمک روی آن می‌پاشند تا چشم‌زخم به جگر شخص اصابت نکند (۸). |
| **قورباغه** | برای رفع زگیل دست، قورباغهٔ زنده‌ای را به درخت می‌بندند و با خشک‌شدن قورباغه، زگیل از بین می‌رود (٤). |
| **مرغ کُرچ** | سه روز پس از زایمان زنِ دخترزا مرغ کُرچی را می‌پزند و به او می‌دهند تا بچهٔ بعدی او پسر بشود (٤). |
| **صدای شغال** | شنیدن صدای شغال و مالیدن هم‌زمان زگیل سبب رفع آن می‌شود (٤). |
| **خون مرغ** | آغشته‌کردن ناف بیمار صرعی/تشنّجی به خون تاج مرغ سیاه‌رنگ را در درمان بیماری مفید می‌دانند (٤). |

بهره‌گیری از حیوانات در درمان باوربنیاد نیز از همان اقسام دانش‌بنیاد بوده است؛ یعنی یا از خود حیوان یا اعضا، جوارح و یا متعلّقات حیوان استفاده می‌شده است، منتها به شیوه‌ای که نمی‌توان آن را علمی به‌شمار آورد یا تأثیری علمی از آن انتظار داشت.

## نتیجه‌گیری

در این پژوهش روش‌های درمان در فرهنگ عامّه به دو دسته تقسیم شد: ۱- دانش‌بنیاد (دانشی) که با استفاده از داروهای گیاهی، کانی‌ها و حیوانات و به کمک ابزارهایی متناسب صورت می‌گرفته است. این روش، توسط افرادی با عنوان طبیب و حکیم انجام می‌شده و به روش‌های علمی امروز نزدیک‌تر بوده است. در دستهٔ دوم، انسان برای پیشگیری، درمان و یا تشخیص علّت بیماری به روشی غیرمتعارف و نامرتبط با درمان روی می‌آورده است. این شیوه را که با روش علمی مطابقتی نداشته، باوربنیاد (باوری) نامیده‌ایم، امّا به‌طور کلی، این راهکارها از آن جهت که گاهی بر بیمار تأثیر روانی داشته و سبب تسکین روحی بیمار می‌شد، می‌توانست در برخی موارد مؤثر واقع شود و به بهبود بیماری بیانجامد. در این گروه نیز در برخی موارد مانند روش دانش‌بنیاد از درمان‌های گیاهی، حیوانی و کانی‌ها برای درمان استفاده می‌شده است، امّا کارکردهایی متفاوت داشته‌اند (مانند کاربرد زاج یا کارد یا داغ). به‌علاوه

گاهی برای پیشگیری و درمان به‌صورت ترکیبی از چندین روش اعم از دارو، ابزار، طلسم و ... استفاده می‌شده است، امّا آنچه مبرهن است بشر از دیرباز برای رهایی از درد یا پیشگیری از آن، به هر طریق که می‌توانسته اقدام کرده و حتی از روش‌های نامتعارف برای تسکین روحی و یا درمان استفاده کرده است.

## تضاد منافع

مقاله تضاد منافعی ندارد.

## پی‌نوشت‌ها

[1]فولکلور یک پدیدهٔ ملّی و فرهنگی است که در جوار ادبیّات کتبی و رسمی ملل جای دارد و درخور بررسی است (۲).

[2]مصاحبه‌شوندگان اهل روستای دولت‌آباد شهداد کرمان با مشخصات زیر هستند:

[2-1]جهانشاهی، گلی (۱٤۰۱). متولد ۱۳۱٤ش، اهل روستای چهارگنبد سیرجان، بی‌سواد، مصاحبهٔ حضوری در تاریخ ۱٤۰۱/۱۲/۱۰.

[2-2]شیخ‌زاده، پروین (۱٤۰۲). متولد ۱۳۳۸ش، اهل روستای دولت‌آباد شهداد کرمان، تحصیلات ابتدایی، مصاحبهٔ حضوری در تاریخ ۱٤۰۲/۱/۲۵.

[2-3]جعفری، رخساره (۱٤۰۲). متولد ۱۳۱۷ش، اهل روستای دولت‌آباد شهداد کرمان، بی‌سواد، مصاحبهٔ حضوری در تاریخ ۱٤۰۲/۲/۵.

[3]دربارهٔ خصوصیات ظاهری آل چنین می‌گویند: آل موجودی بزرگ است که موهای بسیار بلند و پرپشت و سینه‌های ستبر و بلندی دارد که به‌دلیل بلندبودن سینه‌هایش آنها را روی دو کتف خود می‌اندازد و بچه‌هایش از پشت شیر می‌خورند (٤).

## References:

1. Alipour J. Folk beliefs in Iranian medicine during the Qajar era [Dissertation]. Tabriz: Tabriz University Faculty of Literature and Human Sciences; 2016. P 13.
2. Bakhtiari MR. Folklore and popular literature. Urmia: Adiban Publications; 1997. [In Persian].
3. Lorimer DL. Culture of Kerman people. Translated by Vahman F. Kerman: Kermanology Center Publications; 2016. [In Persian].
4. Sarafi MR. Beliefs of Kerman people. Kerman: Shahid Bahonar University; 2013. [In Persian].
5. Malek Mohammadi M. Medical histoty of Kerman (looking at the history of general medicine).
Kerman: Gera; 2013. [In Persian.].
6. Sarrafi M. Kermani dialect culture. Tehran: Soroush Publications. 1996. [In Persian].
7. Dimari MR. Dictionary of words and slang terms of the people of Kerman city. Hamedan: Sepehr Danesh; 2011. [In Persian].
8. Moayyed Mohseni M. Folk culture of Sirjan. 2nd ed. Kerman: Kermanology Center Publications; 2007. [In Persian].
9. Pourhosseini SA. Dictionary of words and terms of Kerman people. Kerman: Kermanology Center Publications; 1991. [In Persian].
10. Sorour uddin M. *Tibb al-Kabir* (Angel of salvation). 5th ed. Tehran: Aftab; 1982. [In Persian].
11. Bahmani Motlaq Y, Toni MR. Medicinal words and medical indications in Attar's works. Kohan-Name-ye Adab-e Parsi (Classical Persian Literature). 2013;4(3):29-49.
12. Zabihi R, Kasai M. Therapeutic properties of stones in Ancient mineralogical Texts. Culture and Folk Literature. 2022;9(42):251-284. Available from: https://sid.ir/paper/957956/en
13. Farkhondehzadeh M, Dehghan M. Mineral healing in Iranian-Islamic medicine: A review study. Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2019 Mar 10;9(4):347-60.
14. Tonekaboni MM. *Tuhfat ul-Momineen*. Tehran: Mahmoudi bookstore; No date. P:654-655. [In Persian].
15. Avicenna. *Al-Qanun fi al-Tibb* (The Canon of Medicine). Translated by Sharafkandi A. Tehran: Soroush Publications; 2006. P:35. [In Persian].
16. Rhazes. *Al-Hawi fi al-Tibb* (The Liber Continens). Translated by AfshariPour S. Tehran: Academy of Medical Sciences of the Islamic Republic of Iran. 2005. P:21. [In Persian].
17. Asadi Gouki MJ. Folk culture of Golbaf. Kerman: Kermanology Center Publications; 2000. [In Persian].
18. Jahanshahi Afshar A. Scorching: From marking to giving treatment. Culture and Folk Literature. 2015;3(5):161-185.
19. Mahloujizadeh Mahabadi M, Shayeganfar HR, Owhadi M. Mythical themes of animals and plants in Avesta and Bundahish. Literary Essays (Educational Literature). 2022;15( 2):197-219.
20. Waring P. The culture of superstitions, the strangest superstitions of people in the world. Translated by Hajjaran A. Motarjem Publishing. 1992. [In Persian].
21. Gholamhosseinzadeh GH, Ghanbari A. Eyesights in Persian poetry. Literary Researchs. 2014;46:125-150.
22. Jahoda G. The psychology of superstition. Translated by Baraheni MT. Tehran: Alborz Publishing; 1992. [In Persian].
23. Rahmanian D, Hatami Z. Charm and magic, talisman and spell, and women world in Qajar era. Historical Studies. 2012 Sep 4;3(2):27-44.
24. Kharazmi H, Tavakoli H. Talisman and breaking talisman in popular caulture of Jabālbārez. Culture and Folk Literature. 2017;5(16):137-160.

# Facing disease in folklore
## (Case study: folklore of Kerman people)

Ali Jahanshahi Afshar[a]*, Mina Ahmadi-Nasab[a]

[a]Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

## Abstract

The environmental determinism governing the primitive human mind caused his knowledge to become one-dimensional in such a way that he thought everything was real and alive, and so created a legend for the unknown and sought the answer to the unknown in his imagination. This one-dimensional reaction and horizontal view of phenomena was also seen in his treatment strategies. That is, he performed some treatments using the drugs he knew in nature or the tools he invented, and attributed some other diseases that he could not recognize to the supernatural and usually resorted to unusual methods such as magic, and actions and tools unrelated to the disease for treatment. These methods sometimes lead to treatment due to the psychological effect on the patient. In the beginning, more unusual treatments were used, but gradually, with the formation of science and the expansion of human knowledge, treatment methods became more scientific and only a small part of these treatments remained in folklore. These therapies are part of the folklore and it seems necessary to preserve this heritage. Kerman is one of the very ancient biological areas of the Iran plateau, which also has a long life and a long history in the field of medicine. Therefore, this research, has endeavored to investigate some beliefs and treatment methods used in Kerman. The data was collected in a library and field method. The research method is descriptive-analytical. The findings of the research show that the people of Kerman face diseases either on the basis of knowledge and awareness, or on the basis of belief and psychological and internal perceptions. Although the latter method of treatment is not scientific, it has sometimes been effective due to indoctrination and psychological influence.

**Keywords:** Popular culture, Disease, Therapeutics, Knowledge

Corresponding Author: a.j.afshar@uk.ac.ir